

صفحه به یک

نکاتی در مورد استارت آپ‌ها
یا چگونه آینده را بسازیم؟

پیتر تیل

مقدمه و ترجمه: سعید روینده

#کارآفرین - شدن



سرشناسه: تیل، پیترا، ۱۹۶۷-م.

Thiel, Peter A

عنوان و نام پدیدآور: صفر به یک: نکاتی در مورد استارت آپ‌ها یا چگونه آینده را بسازیم؟/ پیترا تیل، با همکاری بلیک مسترز؛ مقدمه و ترجمه سعید روینده؛ ویراستار حسین یاغچی.

مشخصات نشر: تهران: نگاه نوین، ۱۴۰۱.

فروست: مجموعه کتاب‌های کارآفرین شدن.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۴۶۷-۰۳-۳

یادداشت: عنوان اصلی: Zero to one : notes on.

startups, or how to build the future, 2014

موضوع: شرکت‌های اقتصادی جدید

فراورده‌های جدید

کارآفرینی

نوآوری — پخش

شناسه افزودن: مسترز، بلیک جی، ۱۹۸۶-م

شناسه افزودن: روینده، سعید، ۱۳۶۴-، مترجم

رده بندی کنگره: HD۶۲/۵

رده بندی دیویی: ۶۵۸/۱۱

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۴۸۱۶۴

صفر به یک

نکاتی در مورد استارت آپ‌ها

یا چگونه آینده را بسازیم؟

نویسنده: پیترا تیل/ با همکاری: بلیک مسترز

مقدمه و ترجمه: سعید روینده

ویراستار: حسین یاغچی

انتشارات: نگاه نوین

مجموعه کتاب‌های #کارآفرین شدن

تلفن: ۰۲۱-۹۱۰۱۷۱۴۷

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۴۶۷-۰۳-۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

چاپ و صحافی: نینوا

قیمت: ۱۵۰ هزار تومان

چالش‌های آینده

هروقت با شخصی مصاحبه‌ی کاری می‌کنم، دوست دارم این سوال را بپرسم، «چه حقیقت مهمی وجود دارد که افراد کمی در آن با شما موافق هستند؟». این سوال، ساده به نظر می‌رسد، چون سراسر است. در واقع، جواب به آن خیلی سخت است. پاسخ به آن از نظر عقلانی مشکل است، چون دانشی که همه در مدرسه یاد می‌گیرند، بر اساس یک تعریف توافق‌شده است و از نظر روان‌شناختی سخت است؛ چون هرکس که بخواهد پاسخ دهد، باید چیزی را بگوید که می‌داند محبوبیت چندانی ندارد. تفکر برجسته نادر است، ولی شجاعت حتی کمیاب‌تر از نبوغ است.

بیش‌تر اوقات، پاسخ‌هایی مثل این موارد را می‌شنوم:
 «سیستم آموزشی ما معیوب است و نیاز مبرم به اصلاح دارد.»
 «آمریکا استثنایی‌ست.»

«خدایی نیست.»

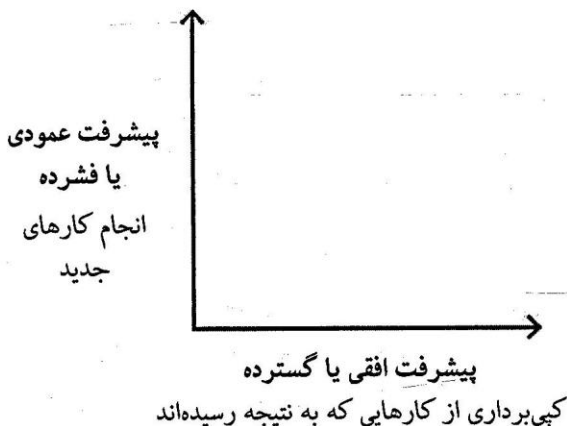
این‌ها پاسخ‌های بدی هستند. عبارت‌های اول و دوم ممکن است درست باشند، اما خیلی‌ها قبلاً آن‌ها را پذیرفته‌اند. عبارت سوم به‌سادگی جانب‌داری یک طرف در مناظره‌ای آشناست. پاسخ خوب به این صورت است، «بسیاری از افراد به X اعتقاد دارند، ولی حقیقت برخلاف X است». من جوابم را در ادامه‌ی این فصل بیان خواهم کرد.

این سوال تضادآمیز چه ارتباطی با آینده دارد؟ در یک مفهوم بسیار حداقلی، آینده صرفاً مجموعه‌ای از لحظاتی‌ست که هنوز فرا نرسیده‌اند. ولی آن‌چه آینده را متمایز و مهم می‌کند این نیست که هنوز اتفاق نیفتاده است، بلکه

زمانی است که جهان متفاوت از امروز به نظر می‌رسد. در این مفهوم، اگر هیچ‌چیز در مورد جامعه‌ی ما تا صدسال آینده تغییر نکند، در این صورت با آینده تا صدسال بعد فاصله وجود دارد. اگر همه‌چیز به‌طور اساسی در دهه‌ی آینده تغییر کند، در این صورت آینده تقریباً در دسترس است. هیچ‌کس نمی‌تواند آینده را به‌صورت دقیق پیش‌بینی کند، ولی دو چیز را می‌دانیم: آینده متفاوت خواهد بود و باید ریشه در دنیای امروز داشته باشد. بیش‌تر پاسخ‌ها به سوال تضادآمیز، شیوه‌های گوناگون نگاه ما به زمان حال هستند؛ پاسخ‌های خوب مواردی هستند که نگاه ما را هرچه بیش‌تر به آینده نزدیک می‌کنند.

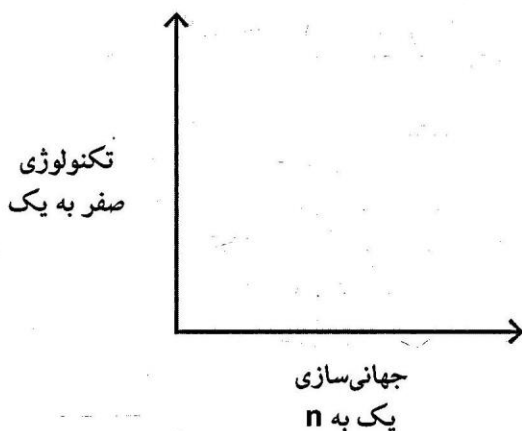
صفر به یک: آینده‌ی پیشرفت

وقتی در مورد آینده فکر می‌کنیم، به یک آینده‌ی پیشرفته امید داریم. این پیشرفت می‌تواند یکی از این دو حالت باشد: پیشرفت افقی یا گسترده به‌معنای کپی‌برداری از مواردی است که از یک به π حرکت می‌کنند. تصور پیشرفت افقی آسان است؛ چون از قبل می‌دانیم شبیه به چه چیزی است. پیشرفت عمودی یا فشرده به‌معنای انجام کارهای جدید است، حرکت از صفر به یک. تصور پیشرفت عمودی سخت‌تر است؛ چون مستلزم انجام کاری است که هیچ‌کس دیگری تا به حال انجام نداده است. اگر یک دستگاه تایپ بگیرید و صد دستگاه از روی آن بسازید، پیشرفت افقی داشته‌اید. اگر شما دستگاه تایپی داشته باشید و یک واژه‌پرداز بسازید، پیشرفت عمودی داشته‌اید.



در سطح کلان پیشرفت افقی در یک کلمه، جهانی‌شدن است و چیزهایی را که در جایی موثر عمل می‌کنند، می‌گیرند و کاری می‌کنند تا در همه جا عمل کنند. چین نمونه‌ی الگویی از جهانی‌شدن است. برنامه‌ی بیست‌ساله‌ی چین تبدیل‌شدن به ایالات متحده‌ی امروزی‌ست. چینی‌ها مستقیم تمام چیزهایی را که در کشورهای توسعه‌یافته انجام شده‌اند، کپی‌برداری می‌کنند. خطوط راه‌آهن قرن نوزدهم، تهریه‌ی مطبوع قرن بیستم و حتی تمامی شهرها، ممکن است چند مرحله در این مسیر را هم از قلم انداخته و مثلاً به‌طور مستقیم بدون نصب خطوط تلفن ثابت، به بی‌سیم رسیده باشند. ولی همه‌چیز را به همان صورت کپی‌برداری می‌کنند.

پیشرفت عمودی یا صفر به یک در یک کلمه، تکنولوژی نام دارد. پیشرفت سریع تکنولوژی اطلاعات در دهه‌های اخیر، سیلیکون‌ولی را به‌طور کلی به پایتخت «تکنولوژی» تبدیل کرده است. ولی هیچ دلیلی ندارد که تکنولوژی محدود به کامپیوترها باشد. آن‌طور که برداشت می‌شود، هر روش جدید و بهتر برای انجام کارها یک‌نوع تکنولوژی‌ست.



چون جهانی‌شدن و تکنولوژی گونه‌های مختلفی از پیشرفت هستند، شاید هم‌زمان هر دو، یکی یا هیچ‌کدام را داشته باشیم. مثلاً از سال ۱۸۱۵ تا ۱۹۱۴، دوره‌ی توسعه‌ی سریع تکنولوژی و جهانی‌شدن بود. بین جنگ جهانی اول و سفر

«کیسینجر»، وزیر خارجه‌ی وقت آمریکا برای آغاز مجدد روابط با چین در سال ۱۹۷۱، با توسعه‌ی سریع تکنولوژی همراه بود؛ ولی جهانی‌شدن چندانی وجود نداشت. از سال ۱۹۷۱ تا به حال، شاهد تسریع جهانی‌شدن همراه با توسعه‌ی محدود تکنولوژی بوده‌ایم که آن هم عمدتاً محدود به تکنولوژی اطلاعات بوده است.

عصر جهانی‌شدن تصور این را آسان کرده است که دهه‌های آینده همگرایی و یکسان‌سازی بیش‌تری را به ارمغان خواهد آورد. حتی زبان روزمره‌ی ما نشان می‌دهد که به‌نوعی به پایان تاریخ تکنولوژی باور داریم: تقسیم‌بندی جهان به کشورهای به اصطلاح توسعه‌یافته و در حال پیشرفت نشان می‌دهد که جهان «توسعه‌یافته» قبلاً به دست‌یافتنی‌ها دست پیدا کرده است و ملت‌های فقیرتر فقط لازم است خود را به آن برسانند.

ولی من فکر نمی‌کنم این درست باشد. جواب من به این سوال تضادآمیز این است که بیش‌تر افراد فکر می‌کنند آینده‌ی جهان بر پایه‌ی جهانی‌شدن تعریف می‌شود، ولی حقیقت این است که تکنولوژی اهمیت بیش‌تری دارد. اگر چین در دو دهه‌ی آینده بدون تغییر تکنولوژی، تولید انرژی خود را دوبرابر کند، میزان آلودگی هوای ناشی از آن را هم دوبرابر می‌کند. اگر هر کدام از صدها میلیون خانوار هندی بخواهند به همان روشی که آمریکاییان هستند، زندگی کنند و فقط از ابزارهای امروزی استفاده کنند، نتیجه از نظر زیست‌محیطی فاجعه‌بار خواهد بود. گسترش شیوه‌های قدیمی برای ایجاد ثروت در سراسر جهان باعث ویرانی می‌شود، نه ثروت. در دنیایی از منابع کمیاب، جهانی‌شدن بدون تکنولوژی جدید پایدار نیست.

تکنولوژی جدید هرگز از ویژگی‌های خود کار تاریخ نبوده است. نیاکان ما در جوامعی ثابت و با برد و باخت زندگی می‌کردند که در آن موقعیت به معنای تصرف متعلقات دیگران بوده است. آن‌ها به ندرت منابع جدیدی از ثروت ایجاد می‌کردند و در طولانی‌مدت هرگز نتوانستند به میزان کافی ثروت برای نجات افراد عادی از این زندگی بسیار سخت به وجود آورند. سپس، بعد از ده‌هزار سال پیشرفت مناسب از کشاورزی اولیه به آسیاب‌های بادی قرون وسطایی و اسطرب‌های قرن شانزدهم، دنیای مدرن ناگهان از نظر تکنولوژی پیشرفت بی‌وقفه‌ای را از پیدایش موتور بخار در سال‌های ۱۷۶۰ تا

۱۹۷۰ تجربه کرد. در نتیجه، ما جامعه‌ای ثروتمندتر از آنچه نسل قبل تصور می‌کرد، به ارث بردیم.

هر نسلی به‌غیر از والدین و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های ما، یعنی: در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰، انتظار داشتند این پیشرفت ادامه پیدا کند. آن‌ها منتظر هفته‌ی کاری چهارروزه، انرژی بسیار ارزان و تعطیلات روی سطح ماه بودند. ولی این اتفاق نیفتاد. گوشی‌های هوشمندی که حواس ما را از محیط اطراف خود پرت می‌کنند، ما را از این واقعیت که محیط پیرامون ما به‌طرز عجیبی قدیمی‌ست، منحرف می‌کنند: فقط کامپیوترها و ارتباطات از اواسط قرن گذشته پیشرفت چشمگیری داشته‌اند. این به آن معنا نیست که والدین ما در تصور آینده‌ای بهتر اشتباه کرده‌اند، فقط اشتباه آن‌ها انتظار رخ دادن خودکار آینده بوده است. امروز چالش ما این است که هم تکنولوژی‌های جدیدی تصور و هم خلق کنیم تا بتوانیم قرن بیست‌ویکم را آرام‌تر و موفق‌تر از قرن بیستم کنیم.

تفکر استارت‌آپی

تکنولوژی جدید تمایل دارد از رویدادهای مخاطره‌آمیز استارت‌آپ‌ها پدید آید. در کسب‌وکار از پدران بنیانگذار در سیاست گرفته تا انجمن سلطنتی در علم یا شرکت قطعات نیمه‌رسانای فرچایلد، گروه‌های کوچکی از افراد با نوعی احساس مأموریت کنارهم گرد آمده‌اند تا جهان را در مسیر بهتر شدن پیش ببرند. ساده‌ترین توضیح منفی برای آن این است: توسعه‌ی چیزهای جدید در سازمان‌های بزرگ سخت است و سخت‌تر از آن این است که خود فرد بخواهد آن را انجام دهد. سلسله‌مراتب بوروکراتیک به‌کندی حرکت می‌کنند و با اجتناب کردن از خطرات، علاقه‌مندی‌ها را رو به نابودی می‌برند. در ناکارآمدترین سازمان‌ها، تظاهر به انجام‌شدن کارها به‌مراتب راهکار بهتری برای پیشرفت شغلی محسوب می‌شود تا انجام‌دادن واقعی آن کار (اگر این تعریف توصیفی از شرکت شماست، باید همین حالا آن‌جا را ترک کنید). از سوی دیگر، هر نابغه‌ی تنها ممکن است یک اثر هنری یا ادبی خلق کند، ولی هرگز نمی‌تواند صنعت کاملی به‌وجود آورد. استارت‌آپ‌ها بر اساس این اصل کار می‌کنند. برای انجام کارها باید با افراد دیگر کار کنید؛ ولی

در ضمن باید به اندازه‌ی کافی کوچک بمانید تا عملاً بتوانید از عهده‌ی آن برآیید.

در تعریفی مثبت، هر استارت آپ بزرگ‌ترین گروه از افرادی است که می‌توانید با هدف طرحی برای ساخت یک آینده‌ی متفاوت، متقاعد کنید. مهم‌ترین نقطه‌ی قوت یک شرکت نوپا طرز فکر جدید آن است: حتی مهم‌تر از چابکی، اندازه‌ی کوچک است که فضای بیش‌تری را برای فکر کردن فراهم می‌کند. این کتاب درباره‌ی پرسش‌هایی است که باید برای موفقیت در انجام کارهای جدید پرسید و به آن‌ها پاسخ دهید: آن چه در ادامه می‌آید کتابچه‌ی راهنما یا درس‌نامه نیست؛ بلکه تمرینی است برای فکر کردن. چون این همان کاری است که هر استارت‌آپی باید انجام دهد: پرسشگر ایده‌های دریافت‌شده باشد و از پایه در کسب و کار تجدیدنظر کند.

مثل سال ۱۹۹۹ جشن بگیرید

پاسخ مستقیم به پرسش تضاد آمیز ما «چه حقیقت مهمی است که افراد کمی در آن با شما موافق هستند؟» خیلی سخت است. شاید پاسخ به آن به صورت مقدماتی ساده تر باشد: همه ی افراد در چه موردی اتفاق نظر دارند؟ «نیچه» (قبل از آن که دیوانه شود) نوشت، «جنون در افراد، نادر است؛ ولی در گروه ها، احزاب، ملت ها و دوران ها قاعده است». اگر بتوانید یک باور عمومی نادرست را تشخیص دهید، می توانید آن چه را در پس آن نهفته است بیابید: حقیقت متضاد. این گزاره ی مقدماتی را در نظر بگیرید: شرکت ها برای کسب ثروت و نه از دست دادن آن وجود دارند. این باید برای هر فرد متفکری واضح باشد. ولی برای خیلی ها در اواخر دهه ی ۱۹۹۰ چندان روشن نبود، وقتی هیچ ضرری آن قدر بزرگ نبود که بتوان آن را به عنوان سرمایه گذاری در یک آینده ی بزرگ تر و روشن تر توصیف کرد. دانش متعارف «اقتصاد نوین»، باز دید صفحات وبسایت را به عنوان یک معیار مالی معتبر و آینده نگری بیش تر نسبت به چیز پیش پا افتاده ای مثل سود، پذیرفته است.

باورهای مرسوم در گذشته به صورت دلخواه و اشتباه ظاهر می شوند. هروقت یکی از این باورها فرومی پاشد، به آن، حباب می گوئیم. ولی تغییرات ناشی از این حباب ها با از بین رفتن آن ها ناپدید نمی شوند. علاقه ی شدید به اینترنت در دهه ی ۱۹۹۰ بزرگ ترین حباب از زمان سقوط در سال ۱۹۲۹ بود و درس های آموخته شده ی بعد از آن، تقریباً تمامی اندیشه ها در مورد تکنولوژی امروز را تعریف و تحریف می کند. اولین گام در تفکر صریح این پرسش است که فکر می کنیم چه چیزی در مورد گذشته می دانیم.



سعید روینده

کارآفرین، مدیرعامل شرکت
رایان تجارت شکبیا آریا
ایده پرداز و مترجم
مجموعه کتاب های
#کارآفرین شدن

کانال ارتباطی:

saeedroyande.com

info@saeedroyande.com

saeeedroyandeh

زندگی ما مثل بازی شطرنج است و برای موفقیت در آن، باید قبل از هر چیز پایان بازی را خواند. در این «دنیای واقعی» ما نباید یکسری کارهای تکراری، بیهوده، کپی شده، اشتباه و قدیمی را مکرر انجام دهیم؛ بلکه باید وارد مسیرهای جدید و تازه ای شویم که قبلا در آن نبوده ایم یا آن ها را انجام نداده ایم. این شاید همان کیمیایی باشد که در کتاب «صفر به یک» با عنوان حد نهایی موفقیت بازنمایی شده است.

«صفر به یک» زمانی ست که شما از نو متولد می شوید (تولد دوباره)؛ و زمانی ست که شما چیز جدیدی را خلق می کنید که «منحصربه فرد» و «نو» ست. حال اگر نتوانید امکان سرمایه گذاری برای خلق چیزهای جدید و نو در آینده ایجاد کنید با مشکلات جدی و حتی شکست مواجه خواهید شد.

«صفر به یک» آینده ی پیشرفته ای ست که در آن افراد جامعه با نوعی احساس مسوولیت، نیت خیر و ماموریت برای سازندگی گردهم آمده اند تا باعث شکل گیری جامعه ای بهتر شوند.

<p>رایان تجارت شکبیا آریا با مسئولیت محدود - شهرک صنعتی - تهران Rayan Tejarat Shokiba Aria</p>	